

سید محمد علی جمالزاده

بقیه از شماره قبل

دیوان مهستی گنجوی

در رباعی ۱۴۴ وقتی این بیت را خواندم :

از سفره انتظار خون جگرم شد از پی حلوای لب‌ت بالوده
 طلب آمرزش برای بواسحق اطعمه کردم

در رباعی ۱۵۴ مصراع چهارم (از عمر کسی و فاطمه دارد ، نی) مرا بیاد (از
 عمر وفا که دید تا من بینم) انداخت .

رباعی ۱۵۵ هم مرا بیاد رباعی معروف دیگری انداخت که با این بیت
 شروع می‌شود .

ای دلبر عیسی نفس ترسائی خواهم که شبی برم تو بی ترس آئی
 از بیت دوم رباعی ۱۵۶ (چون شیر زبستان لطافت نمکی - بیغمبری ای دوست
 ولیکن نه مکی) برآستی چندان خوش نیامد . شاعر چه زوری زده است و چه التزام بی
 لطف و لزومی . ۲۷

در رباعی ۱۶۲ خطاب بمطرب میگوید : (صوت برآر) مثلا اگر میگفت
 (نوازی) یا (نغمه نواز) آیا بهتر نبود . ۲۸

۲۷ - در دیوان هیچ شاعری نمیتوان ادعا کرد که تمام آثارش یکدست و از عیب
 مبرا است بنابراین مهستی نیز در اشعارش نارسائیا و بی ذوقیها فراوان دیده میشود چنانکه
 اشعار خوب هم بحد کافی گفته است .

۲۸ - البته اگر شاعره بجای (صوت برآر) (نغمه نواز) میگفت بمراتب سلیس‌تر
 میشد ولی چه باید کرد زاده اندیشه وی اینگونه بوده است . در بعضی از نسخه‌ها (غزل بگو)
 و یا (غزل بخوان) نیز ثبت شده است .

در رباعی ۱۶۳ در مصراع چهارم بجای (بتان) (بنان) غلط چاپی است .
 در رباعی ۱۶۶ معنی بیت دوم را : (گفتا که بیار آنچه را اول اوست گفتم
 که دگر چیست بمن گفت آری) باز درست نفهمیدم و حتی جا دارد که بگویم
 هیچ نفهمیدم. ۲۹

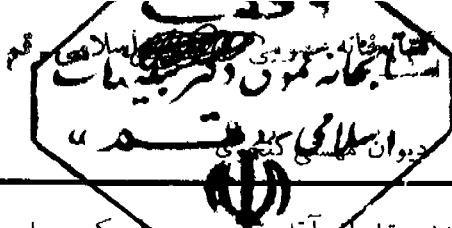
آقای طاهری شهاب باید بدانند که خوانندگان کتاب همه اهل فضل و کمال و
 شعر فهم نیستند و چه بسا چون من کم سواد و نفهمند و احتیاج بتوضیح و توجیه دارند. ۳۰
 شرحی که در صفحه ۷۲ درباره مقاله آقای احمد سهیلی آمده است آیا بهتر نبود
 در ضمن مقدمه در اول کتاب آمده باشد و همچنین ابیات (فقیر دهلوی) در وصف
 حسن و جمال مهستی که در صفحه ۸۰ آمده است .

غزلیات مهستی

غزل اول که شماره ۱۷۰ دارد عبارت است تنها از دو بیت . غزل دوم که شماره
 ۱۷۱ دارد تنها يك بیت است غزل سوم نمره ۱۷۲ باز دو بیت است . عجب غزلهایی!
 غزل غنچه پزمره شماره ۱۷۳ بنقل از آقای علی اکبر مشیر سلیمی است ولی باید دید
 ایشان از کجا نقل فرموده اند و توضیح داد والا نباید تا اطمینانی حاصل نشده نقل

۲۹ - نظریه استاد راجع به مفهوم این بیت درست است و در مراجع ما هم بدین صورت
 بوده تا مدرك كهتی بدست نیاید نمیتوان بسلیقه شخصی متوسل و بیینی معنادار سرود و بنام
 شاعره اشاعه داد .

۳۰ - آقای جمال زاده باید به انصاف دوری فرمایند که تدوین اشعار شاعره ای که
 دیوانش را دست تصاریف زمان از بین برده از میان انبوهی کتاب خطی و چاپی که هر کدام
 با دیگری تفاوت ثبتی دارند کاریست توانفرسا و جزعلاقه به احیای آثار گذشتگان در این
 دنیای مادی نفع دیگری بر آن متصور نیست و انصاف خواهید داد که هیچ مخلوقی از خطا و
 لغزش مصون نمی باشد .



نمود ۳۱ و همچنین است غزل ۱۷۹ بنقل از آقای احمد مهستی که بسیار دلپسند است ولی سند و مدرک لازم دارد .

غزل ۱۷۴ باز فقط چهار بیت دارد و غزل ۱۷۵ تنها سه بیت و غزل ۱۷۶ (که بسیار روان و دلچسب است) سه بیت و هکذا غزل‌های دیگر که بنظر ناقص میرسد و لازم بود در آغاز فصل مربوط بغزل‌های مهستی توضیحی در این باب داده شده بود .

قطعات مهستی

در قسمت قطعات در آخر قطعه شماره ۱۷۹ این بیت آمده است
اگر سراسر این ملک را بگردی نیست
نه از طعام نشانی نه دود از مطبخ

ظاهراً از قحط سالی حکایت میکند . باید بتاریخ رجوع کرد تا معلوم شود در چه سالی و چه تاریخی و در کجا بوده است . ۳۲

در ذیل شماره ۱۸۳ صحبت از روایت جوهری است درباره مهستی و سلطان . این قسمت هم جایش در مقدمه است و تنها دو بیت مهستی را میتوان (اول در مقدمه بایستی آمده باشد) در ضمن قطعات آورد .

قطعه شماره ۱۸۴ که عبارت است تنها از يك فرد باید در جزو مفردات آمده باشد .

مناظره ادبی (قطعه شماره ۱۸۵) هم جایش در مقدمه است و هکذا قطعه شماره ۱۸۶ .

مصراع دوم بیت آخر در قطعه ۱۹۷ (تیز بر ریش مردم نادان) آیام‌آخوند از

۳۱ - آقای سلیمی این غزل را از تذکره آفتاب عالم‌ناب نقل کرده‌اند . از غزل‌ها بیش از این مقدار ابیات باقی نمانده و همین مقدار اندک هم مفتم است .

۳۲ - البته تحقیق در این موضوع کاریست شایسته ولی در خور تعمق بسیار که باید منتظران در متون تواریخ انجام دهند .

ناصر خسرو نیست در آن ابیات معروف (خرکی را بدشت گرگ درید) الخ - ۳۳
بیت مفردی که در تحت شماره ۱۹۹ آمده است باقید (بیت مستهجن از جمله ابیات
نادری است که بطور یقین میتوان از مهستی دانست و بطور آشکار سکه دل فریب
دارالضرب شاعره ما را دارد و از این لحاظ بهای مخصوصی دارد.

باید امیدوار بود که آقای طاهری شهاب با حوصله بیشتری چاپ جدیدی از
دیوان مهستی گنجوی را تقبل فرمایند و با مدارک و اسناد تازه تری این دیوان
گرانقدر را (بصورت جامع تر و کاملتری) انتشار دهند و البته لازم است که در این
طبع جدید از کتاب (مهستی زیبا) استاد (می‌یر خاور شناس معظم سویسی) سخن
رانده شود و بحکم (الفضل للمتقدم) ازین استاد محترم قدر شناسی شایسته‌ای بعمل
آید. ۳۴. زیاد زحمت و درد سر دادم. پرگوئی عادت شده است. معذرت میطلبم.
هفدهم آبانماه ۱۳۴۸

۳۳ - مصرعست تضمین شده از قطعه منسوب بناصر خسروه.

۳۴ - امر استاد جمال زاده درباره معرفی خاور شناس سویسی (چنانچه توفیق چاپ
جدید دیوان) میسر شد مطاع است و اما ازاینکه مرقوم داشته‌اند استاد سویسی حق تقدم
در اشاعه دیوانرا دارند باید بعرض برساند که اولین دانشمندی که زحمت تدوین اشعار
مهستی و چاپ دیوانش را کشیده است شادروان پروفوسور محمد اسحق هندوستانی است و بعد
ازوی راقم این سطور در سال ۱۳۳۵ شمسی چاپ اول آنرا انتشار داده است و استاد (می‌یر
سویسی در سال ۱۹۶۳ میلادی این دیوانرا طبع و به آلمانی ترجمه کرده و طبق اشارتی
که خود استاد در فهرست کتابشان فرموده‌اند در ۱۲۳ مورد نام این بی‌مقدار را یاد کرده‌اند.

پایان

ساری (- طاهری شهاب)